

Compatibilist's Challenges on Encountering with the Zygote Argument of Manipulation

Zahra Khazaei¹  | Sara Sotoudehnia²  | Mohsen Javadi³ 

1. Professor, Department of Ethics, University of Qom, Iran. E-mail: z.khazaei@gmail.com
2. Corresponding Author, Ph.D. Candidate of Ethics, University of Qom, Iran. E-mail: sotoudehnia.s@gmail.com
3. Professor, Department of Ethics, University of Qom, Iran. E-mail: moh_javadi@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 19 November 2023
Received in revised form 16
March 2024
Accepted 10 April 2024
Published online 01 January
2025

Keywords:

manipulation argument, moral
responsibility, compatibilism,
Alfred Mele,
incompatibilism.

ABSTRACT

In compatibilists believe that we cannot act freely and be morally responsible for an action in a deterministic world, while compatibilists don't deny the possibility of free action and moral responsibility for the agent, and they believe that we can find some kind of compatibility between moral responsibility and causal determination. This article will analyze Alfred Mele's zygote argument of manipulation, which is an argument in critique of compatibilism between moral responsibility and the deterministic world. Manipulation argument is an argument based on an agent's intuition of a situation in which the agent is under the control of another person or force. It wants to show that an agent in a manipulated situation, despite satisfying the compatibilists conditions, is not morally responsible for her action, and she is like the agent in a deterministic world.

Cite this article: Khazaei, Z.; Sotoudehnia, S. & Javadi, M. (2025). Compatibilist's challenges on Encountering with the Zygote Argument of Manipulation. *Journal of Philosophical Investigations*, 18(49), 333-350. <http://doi.org/10.22034/jpiut.2024.59263.3639>



© The Author(s).

Publisher: University of Tabriz.

<http://doi.org/10.22034/jpiut.2024.59263.3639>

Extended Abstract

In compatibilists believe that in a deterministic world we cannot act freely and be morally responsible for doing that, while compatibilists do not deny the possibility of free action and moral responsibility for the agent in a deterministic world, and they believe that we can find some kind of compatibility between moral responsibility and causal determination.

This article will analyze Alfred Mele's zygote argument of manipulation, which is an argument in critique of compatibilism between moral responsibility and the deterministic world. Manipulation argument is an argument based on an agent's intuition of a situation in which the agent is under the control of another person or force. It wants to show that the agent in a manipulated situation, despite satisfying the compatibilists conditions, is not morally responsible for her action, and she is like the agent in a deterministic world.

In this article, we will discuss Alfred Mele's zygote manipulation argument, and then we will describe some of the most important criticisms that have been made to this argument and its premises. We also tried to provide an analysis of this argument.

There are two main challenges facing compatibilists when they confront manipulation arguments, which made them use these two methods in their answers to this argument. A group of them have considered the first assumption, i.e., the intuitive assumption, and their answers are called hardline responses. They challenged the intuition of the agent's lack of moral responsibility in the manipulated situation, and the opposite group, by questioning the second assumption, i.e., the assumption of nonrelevant difference, questioned the truth and validity of the manipulation arguments, and their answers were soft-line responses. In this category, their objection is not directed at the intuition of lack of responsibility in the manipulated situation, but they seek to show that the moral agent in a situation that is determined naturally is different from the moral agent in the manipulation situation, and they believe that the validity of this argument will be damaged by criticizing the assumptions.

Our intention in this article is to examine the position of Mele's zygote argument in the set of manipulation arguments, and also to analyze the premises of this argument and their effectiveness in reaching the results that Mele had in mind. For this purpose, in the second part of the article, we will first discuss the first formulation of the manipulation argument by Richard Taylor and then describe the two important manipulation arguments, which are Pereboom (argument of the best explanation) and Mele (argument of the zygote).

In this article, we have tried to show that Mele is not seeking to reject compatibilism by proposing this argument, and ultimately takes an agnostic position. Therefore, the zygote manipulation argument cannot be considered as an argument to prove incompatibilism, but it is at the best an argument about criticizing compatibilism and challenges its conditions.

چالش‌های سازگارگرایان در مواجهه با استدلال مهار زیگوت آلفرد ملی

زهرا خزاعی^۱ | سارا ستوده‌نیا^۲ | محسن جوادی^۳

۱. استاد گروه اخلاق، دانشگاه قم، ایران. رایانامه: z.khazaei@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری گروه اخلاق، دانشگاه قم، ایران. رایانامه: soutoudehnia.s@gmail.com

۳. استاد گروه اخلاق، دانشگاه قم، ایران. رایانامه: moh_javadi@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

ناسازگارگرایان معتقدند در جهان متعین نمی‌توان فعلی را آزادانه و اخلاقاً مسئولانه انجام داد درحالی که سازگارگرایان امکان انجام آزادانه فعل و مسئولیت اخلاقی را برای فاعل جهان متعین منتفی نمی‌دانند و بر این باورند که می‌توان میان مسئولیت و تعین علی نوعی سازگاری یافت. این مقاله به تحلیل استدلال مهار زیگوت آلفرد ملی خواهد پرداخت که استدلالی در نقد سازگارگرایی میان مسئولیت اخلاقی و جهان متعین است. استدلال مهار استدلالی است که برپایه شهود افراد از موقعیتی که فاعل در آن تحت کنترل شخص یا نیرویی دیگر است استوار شده و بر آن است که نشان دهد فاعل در موقعیت مهار شده، علی‌رغم برآورده کردن شروط سازگارگرایان همانند فاعل در جهان متعین، مسئولیت اخلاقی برای فعل خود ندارد. در این مقاله قصد داریم که نشان دهیم ملی با طرح این استدلال در پی رد سازگارگرایی نیست و در نهایت موضعی ندانم‌گرا در این استدلال می‌گیرد و بنابراین نمی‌توان استدلال مهار زیگوت را استدلالی در اثبات ناسازگارگرایی دانست بلکه در بهترین حالت، استدلالی است که سازگارگرایی را نقد کرده و شروط آن را به چالش می‌کشد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

کلیدواژه‌ها:

استدلال مهار، سازگارگرایی، ناسازگارگرایی، آلفرد ملی، مسئولیت اخلاقی.

استناد: خزاعی، زهرا؛ ستوده‌نیا، سارا و جوادی، محسن. (۱۴۰۳). چالش‌های سازگارگرایان در مواجهه با استدلال مهار زیگوت آلفرد ملی، پژوهش‌های فلسفی، ۱۸

(۴۹)، ۳۳۳-۳۵۰. <https://doi.org/10.22034/jpiut.2024.59263.3639>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه تبریز.

مقدمه

ناسازگارگرایان برای اثبات مدعای خود دو دسته استدلال اصلی طرح کرده‌اند که عبارت‌اند از استدلال پیامد^۱ که ون این واگن آن را صورت‌بندی کرده و مجموعه استدلال‌های مهار که فیلسوفان مطرحی چون رابرت کین^۲، درک پرپوم^۳، آلفرد ملی^۴، مایکل مک‌کنا^۵ اشتیاق حاجی^۶ و شماری دیگر از فیلسوفان به تحلیل و واکاوی در آن پرداخته‌اند. ملی در کتاب *اراده آزاد و بخت*^۷ (۲۰۰۶)، مقاله مهار، سازگارگرایی^۸ و مسئولیت اخلاقی (۲۰۰۸)، کتاب *عامل‌های مهار شده در پیچه‌ای به مسئولیت اخلاقی*^۹ (۲۰۱۹) و کتاب *اراده آزاد* (۲۰۲۳) صورت‌بندی‌های متفاوتی از استدلال مهار را طرح کرده است. در مقاله حاضر، منظور ما از استدلال مهار، طرح نخستین این استدلال در کتاب *اراده آزاد و بخت* و مقاله مهار، سازگارگرایی و مسئولیت اخلاقی است. طرح کلی استدلال مهار (SMA) را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد:

۱. فاعل S که شرایط سازگارگرایان برای مسئولیت اخلاقی را تأمین می‌کند و در وضعیت X مهار شده که فعل

A را انجام دهد اخلاقاً مسئول انجام فعل A نیست (فرض مبتنی بر شهود)

۲. فاعل S که شرط‌های سازگارگرایان را برای مسئولیت اخلاقی تأمین می‌کند و در وضعیت X مهار شده که

فعل A را انجام دهد، از هیچ جنبه مرتبیتی با مسئولیت اخلاقی با فاعل نرمال و مهار نشده‌ای که شرایط

سازگارگرایان برای مسئولیت اخلاقی را برآورده می‌کند و به طور طبیعی برای انجام فعل A متعین شده

تفاوت ندارد. (فرض عدم تفاوت)

بنابراین، فاعل مهار نشده‌ای که شرط سازگارگرایان برای مسئولیت اخلاقی را برآورده می‌کند و به طور طبیعی برای انجام فعل

A متعین شده است برای انجام این فعل مسئولیت اخلاقی ندارد.

دو چالش اصلی بر سر راه سازگارگرایان با این استدلال ایجاد شده که آنها را بر آن داشته در پاسخ‌های خود به این استدلال نیز

این دو شیوه را به کار بگیرند. گروهی از آنها فرض اول یعنی فرض شهودی^{۱۰} را مدنظر قرار داده‌اند که پاسخ‌های آنها را پاسخ‌های

شدید^{۱۱} نامیده‌اند. آنها این شهود عدم مسئولیت اخلاقی فاعل را در وضعیت مهار شده به چالش می‌کشند و گروه مقابل که با

زیرسؤال بردن فرض دوم یعنی فرض عدم تفاوت مرتبط، صدق و اعتبار استدلال‌های مهار را به پرسش کشیده‌اند که به پاسخ‌های

آنها، پاسخ‌های منعطف^{۱۲} می‌گویند. این دسته، اعتراضشان متوجه شهود عدم مسئولیت در وضعیت مهار شده نیست بلکه در پی آن

¹ Consequence Argument

² Van In Wagen

³ Robbert Kane

⁴ Derk Pereboom

⁵ Michael McKenna

⁶ Ishtiyaque Hajji

⁷ Free Will and Luck

⁸ Compatibilism

⁹ Manipulated agents: a Window to Moral Responsibility

¹⁰ Free Will 0

¹¹ Schema for Manipulation Argument 1

¹² Intuitive 2

¹³ Hard line response 3

¹⁴ Softline response 4

هستند که نشان دهند فاعل اخلاقی در وضعیتی که به طور طبیعی متعین شده با فاعل اخلاقی در وضعیت مهار شده متفاوت است و با به پرسش کشیدن این فرض اعتبار استدلال مهار را نیز خدشه‌دار کنند (مک‌کنا، پرپوم، ۲۰۲۲، ۱۸۶).

قصد ما در این مقاله بررسی جایگاه استدلال زیگوت ملی در مجموعه استدلال‌های مهار و نیز تحلیل مقدمات این استدلال و میزان کارآمدی آنها در رسیدن به نتیجه‌ی مدنظر ملی است. به همین منظور در بخش دوم مقاله، ابتدا درباره اولین صورت‌بندی استدلال مهار توسط ریچارد تیلور را طرح می‌کنیم و پس از آن دو استدلال مهم مهار که پرپوم (استدلال بهترین تبیین) و ملی (استدلال زیگوت) را شرح می‌دهیم. در بخش سوم به استدلال مهار زیگوت آلفرد ملی خواهیم پرداخت و در نهایت، برخی از مهمترین نقدهایی که به این استدلال و مقدمات آن وارد شده را تشریح کنیم و در بخش انتهایی تلاش کرده‌ایم تحلیلی از این استدلال به دست دهیم که نشان دهیم با توجه به نقدها و پاسخ‌های مطرح شده پیرامون استدلال زیگوت، این استدلال در پی رد سازگارگری و اثبات قطعی ناسازگارگری نیست بلکه در بهترین حالت می‌تواند استدلالی در نقد شروط سازگارگری باشد.

۱. سیر تاریخی استدلال مهار

نخستین نسخه استدلال مهار را ریچارد تیلور در سال ۱۹۷۴ در کتاب *متافیزیک* خود طرح کرده است. در این استدلال، اگر کسی با مهار کردن من، میل را در اختیار بگیرد، یعنی بتواند میل درونی ای در من ایجاد کند که مطابق آن میل درونی فعلی را انجام دهد، هرچند که آن فعل شرایط فعل آزادانه را داشته باشد، نمی‌توان مسئولیت اخلاقی برای آن فعل در نظر گرفت. همان گونه که می‌بینیم این استدلال یک گام از اراده به انجام فعل عقب‌تر می‌آید و در حیطه میل^۱ فاعل اخلاقی^۲ مطرح می‌شود. تیلور در شرح این استدلال می‌نویسد:

اگر رفتار من شروط فعل آزاد مندرج در نظریه تعیین‌گرایی خفیف را برآورده کند، اگر شروط دیگری که با این شروط برآورده شده کاملاً تطابق داشته باشند را فرض کنیم رفتار من آزادتر از این نخواهد بود. شاید بتوان این گونه نیز فرض کرد که درحالی که رفتار من کاملاً مطابق خواست خودم است و بنا بر مفاهیم مرتبط با آزادی که در کار آموختن آنها هستیم، می‌توان گفت رفتارم «آزادانه» است، اما خود خواست‌های من معلول هستند. برای به‌دست‌آوردن تصویری واضح از چنین موقعیتی، می‌توان فرض کرد فیزیولوژیست خلاق می‌تواند با فشردن دکمه‌های متفاوت روی ابزاری که با سیم‌های مختلف به من وصل شده‌اند، هر خواستی که دلش می‌خواهد را به من القا کند؛ بنابراین، تمام خواست‌های من در آن موقعیت، دقیقاً همان خواست‌هایی است که او به من القا می‌کند. با فشردن دکمه‌ای در من میل به بالا بردن دستم را ایجاد کند و دست من مانعی ندارد که به این میل پاسخ دهد. با فشردن دکمه‌ای دیگر، این خواست را به من القا می‌کند که لگد بزنم و پای من که مانعی ندارد، در پاسخ به این میل لگد می‌زند. حتی می‌توان این فرض را نیز در نظر گرفت که فیزیولوژیست

¹ Incompatibilism

² Richard Taylor

³ Metaphysics

⁴ Desire

⁵ Moral Agent

اسلحه‌ای در دستان من می‌گذارد و آن را به سمت رهگذری نشانه می‌گیرد، با فشردن دکمه‌ای این خواست را در من برمی‌انگیزد که ماشه را بچکانم و در نتیجه این حرکت، جنازه رهگذر روی زمین می‌افتد. این توصیف فردی است که مطابق میل درونی خودش عمل می‌کند، فردی که حرکات بدنی‌اش بی‌مانع و نامحدود است، این حرکات از آثار حالات درونی اوست. دشوار می‌توان این فاعل را فاعل انسانی نام نهاد. این وصف کاملی از یک عروسک است (تیلور، ۱۹۷۴، ۴۵).

با این استدلال تیلور می‌خواهد تمام اشکال سازگارگرایی را به چالش بکشد اما نسخه‌هایی از سازگارگرایی قاطعانه به ایراداتی که او در استدلال خود به آنها وارد کرده پاسخ داده‌اند. در نسخه‌های جدیدتر استدلال مهار (به‌ویژه استدلال پرپوم و استدلال ملی) هجمله به سازگارگرایی به شکلی دیگر اتفاق می‌افتد. در این دسته استدلال‌ها، فاعل اخلاقی فعلی غیراخلاقی انجام می‌دهد که در حین انجام فعل، تمام شروط سازگارگرایی برای انجام آزادانه فعل و انتساب مسئولیت اخلاقی برآورده می‌شود. از جمله شروطی که سازگارگرایان برای آزادی فعل و انتساب مسئولیت اخلاقی مطرح کرده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

هابز^۱ (۱۶۵۴) و هیوم^۲ (۱۷۳۹، ۱۷۴۸) شرط آزادی فعل را چنین تعریف می‌کنند که فاعل اخلاقی بتواند به‌گونه‌ای که می‌خواهد فعل کند، و میل غیر قابل مقاومتی نسبت به آنچه میل او را برمی‌انگیزد نداشته باشد.

ایر^۳ (۱۹۵۴) عدم اجبار درونی نسبت به میل محرک را عامل آزادی فعل فاعل اخلاقی می‌داند.

هری فرانکفورت^۴ (۱۹۷۱) که در زمره سازگارگرایان جریان‌ساز است نیز ملاک آزادی فعل را چنین معرفی می‌کند: میل مؤثر^۵ فاعل اخلاقی یعنی اراده‌اش به‌گونه‌ای متناسب با میل‌های درجه دومش مطابقت داشته باشد. میل‌های درجه دومی که میل مؤثر را به خاطر آنها دارد.

بنا به تعریف فیشر و راویزا^۶ (۱۹۹۸) پاسخگو بودن به دلایل، شرط آزادی فعل است. به این معنا که میل‌های فاعل را می‌توان با ملاحظه عقلانی او درباره دلایلی که دارد اصلاح و برخی از آنها را ایجاد کرد و اگر او بر این باور است که پیامدهای بدی که در نتیجه فعل او برایش در پی می‌آید شدیدتر از آن است که او فکرش را می‌کند، احتمالاً به همین دلیل از انجام آن خودداری می‌کند.

والاس^۷ شرط آزادی فعل را چنین تبیین می‌کند: فاعل توانایی کلی برای اخذ، به‌کار بستن و تنظیم افعال خود با دلایل اخلاقی را دارد. مثلاً زمانی که دلایل خودمحوارانه‌اش، که در تقابل رفتار اخلاقی هستند، ضعیف باشند، معمولاً فاعل اخلاقی رفتارش را با دلایل اخلاقی تنظیم می‌کند. همچنین او این ظرفیت را دارد که شخصیت اخلاقی خود را با تأمل اصلاح کند و آن را رشد دهد. این شرطی است که ملی (۲۰۰۶) و اشتیاق حاجی (۱۹۹۸) نیز درباره مسئولیت از آن دفاع می‌کنند. (پرپوم و مک کنا، ۲۰۲۲، ۲-۱۸۱)

در نظر گرفتن این ملاک‌ها برای سازگارگرایی به ما در فهم دقیق‌تر و جامع‌تر استدلال‌های جدیدتر مهار کمک می‌کند. البته باید توجه داشت که هم پرپوم و هم ملی به‌تناسب در تحلیل‌های خود از استدلال منظور خود از شرط سازگارگرایی و ملاک انتخاب

¹ Hobbes

² Hume

³ Ayer

⁴ Harry Frankfurt

⁵ Effective Desire

⁶ Fischer and Ravazza

⁷ wallace

هریک از روایت‌های خود از این شروط را توضیح می‌دهند اما در اکثر موارد این دو فیلسوف از میان شروط ذکر شده، ملاک فرانکفورتی را برای شرط سازگاری میان فعل آزاد و مسئولیت اخلاقی برمی‌گزینند. با این مقدمه می‌توانیم سراغ طرح کلی استدلال مهار و تبیین و تحلیل دو راوی اصلی آن یعنی درک پرپوم و آلفرد ملی برویم.

۲. انواع استدلال‌های مهار

ملی در مقاله خود با عنوان مهار، سازگارگرای و مسئولیت اخلاقی (۲۰۰۸) سه نوع متفاوت از استدلال مهار را از هم متمایز می‌کند:

۱. استدلال مهار مستقیم (همانند طرح کلی استدلال مهار که در بخش قبل آمد صورت‌بندی می‌شود).
۲. استدلال بهترین تبیین (فرض دوم طرح کلی با فرض بهترین تبیین جایگزین می‌شود).
۳. استدلال طرح اصلی یا زیگوت (در این استدلال فاعل اخلاقی مهار نشده است بلکه اساساً برای انجام کاری مشخص در زمانی مشخص طراحی شده است).

۲-۱. استدلال مهار مستقیم^۱

ملی استدلال مهار مستقیم را با طرح یک مثال صورت‌بندی می‌کند. مانی فاعل مهار شده ای است که در دنیای متعین صدای دختر پیشاهنگ دوره‌گردی را می‌شنود که با صدای بلند فریاد می‌زند: «کلوچه» او در برابر این درخواست دختر پیشاهنگ، در خود میلی می‌یابد که از او کلوچه‌هایش را بخرد، درعین‌حال می‌تواند در برابر این میل مقاومت نماید. (توانستن به معنای مورد نظر سازگارگراها) باین‌وجود او چندین چعبه از کلوچه‌های دختر را می‌خرد. ادعا در این استدلال این است که مانی این کار را آزادانه انجام نداده و برای خریدن کلوچه‌ها مسئول اخلاقی و در پی آن سزاوار ستایش نیست. ملی استدلال مهار مستقیم را این گونه صورت‌بندی می‌کند:

۱. فرض مانی: مانی فعل خریدن کلوچه را آزادانه انجام نداده و مسئولیت اخلاقی برای آن ندارد. ۲. فرض عدم تفاوت: هیچ تفاوت مهم و معناداری در رابطه با فعل آزادانه و اخلاقاً مسئولانه میان فعل مانی و هر گزینه ممکن دیگری در جهان متعین وجود ندارد. بنابراین، هیچ گزینه فعل آزادانه و اخلاقاً مسئولانه‌ای در جهان متعین، فعلی آزاد نیست و فاعل آن نیز هیچ‌گونه مسئولیت اخلاقی برای انجام آن ندارد. به طور خلاصه می‌توان گفت: سازگارگرایی کاذب است (ملی، ۲۰۰۸، ۲۶۴).

ملی پس از صورت‌بندی این استدلال، با استناد به آراء پیشین خود به ویژه آنچه در کتاب *فاعل‌های خودآیین*^۲ (۱۹۹۵) این ادعا را پیش می‌کشد که شروط کافی پیشنهادی سازگارگراها برای فعل آزاد و انتساب مسئولیت اخلاقی فاعل باید به پیشینه فاعل‌های اخلاقی حساس باشد. او بر این باور است که فاعل‌های اخلاقی، در عین حال که ممکن است یک فعل واحد را انجام داده باشند اما به دلیل پیشینه متفاوتی که دارند مسئولیت اخلاقی و استحقاقشان برای مورد سرزنش قرار گرفتن متفاوت باشد. او برای روشن کردن این استدلال، یک جفت مثال می‌آورد که در آنها دو فاعل با چنین شرایطی مواجه هستند.

¹ Straight Argument

² Autonomous Agents

پت و پل دو فاعل این داستان هستند. پت شخصی معمولی است که واجد ارزش‌های معمول است و پدری معمولی برای فرزندانش است. او دو فرزند دارد و گاهی برای اینکه در تربیت و رسیدگی به فرزندانش کوتاهی می‌کند احساس گناه می‌کند. فرض کنیم در زمان کودکی فرزندانش او پروژه توسعه فردی برای خودش آغاز می‌کند و طی سالیان به پدری وظیفه‌شناس و فداکار برای فرزندانش تبدیل می‌شود. ارزش‌های والدی او به گونه‌ای است که در طی یک زمان مشخص نه می‌توان آن را از بین برد و نه حتی کاهش داد. او این ارزشها را تنها در صورتی کنار می‌گذارد که یا دیوانه شود یا شرایط خاصی پیش بیاید (مانند اینکه برای نجات جان فرزندانش مجبور شود از آن ارزش‌ها دست بکشد) در غیر این صورت ارزش‌های او، ارزش‌هایی غیرقابل‌ریزش هستند. موقعیتی را تصور کنید که او با برای تامین هزینه تحصیل دخترش در دانشگاه هنرهای آزاد وامی می‌گیرد.

شخصی بنام پل را تصور کنید که مردی خودخواه است و سال‌های سال با همین ارزش‌های خودخواهانه‌اش زیسته است. شب گذشته که پل به خواب می‌رود در معرض امواجی قرار می‌گیرد که او را شستشوی مغزی می‌دهند. مادرش بی‌خبر از او، گروهی روان‌شناس استخدام کرده و ارزش‌های والدی پت را در ذهن او می‌کارند. حال پل نیز مانند پت واجد مجموعه‌ای از ارزش‌های غیرقابل‌ریزش می‌شود. پل که از خواب برمی‌خیزد آرزوی دخترش برای حضور در دانشگاه هنرهای آزاد را به یاد می‌آورد و در خود میل شدیدی می‌یابد که با گرفتن وامی این آرزوی را برای دخترش تحقق ببخشد. طبیعتاً او از پیدا شدن این میل در خودش شگفت‌زده می‌شود. او روی این وام حساب کرده بود که برای خودش ماشین تازه‌ای بخرد اما وام را صرف هزینه ثبت‌نام دخترش در دانشگاه هنرهای آزاد می‌کند. او خودش چنین گمان می‌کند که از شیوه خودخواهانه‌اش دلزده شده و در نهایت پی به ارزش و اهمیت رابطه پدر و دختری برده و تغییر عقیده‌اش هم به همین دلیل است.

ملی با طرح این داستان و توجه دادن به پیشینه این نفر معتقد است در حالی که پت با ارزش‌های غیرقابل‌ریزش خود دست به کاری تحسین برانگیز زده، پل با وجود اینکه همان کار را انجام داده اما مانند پت سزاوار ستایش نیست. هرچند که پل نیز طبق ارزشهای جدید کاشته شده اش نمی‌توانست کاری جز وام گرفتن برای ادامه تحصیل دخترش انجام دهد و طبق دیدگاه سازگارگرایان شرط کافی انجام فعل آزادانه را داشته است اما نمی‌توان او را سزاوار ستایش دانست (ملی، ۲۰۰۸، ۱۶۶-۱۶۸).

۲-۲. استدلال بهترین تبیین^۲

این استدلال از آن درک پرپوم است که در کتاب زندگی بدون اراده آزاد در سال ۲۰۰۱ طرح شده است. او این استدلال را با داستانی طرح می‌کند که به چهار شیوه متفاوت تعریف می‌شود در هریک از این موارد، فاعل اخلاقی شرایط متفاوتی را تجربه می‌کند. پرپوم با طرح این داستان و شرایط متفاوت آن، از سازگارگرترین حالت تا تعیین کامل بر آن است که در نهایت امکان مسئولیت اخلاقی فاعل را ارزیابی و به شیوه ناسازگارگرایانه‌ای آن را رد کند. باید توجه داشت در این استدلال تلاش شده شروط سازگارگرایانه برای آزادی فعل و مسئولیت اخلاقی برآورده شوند اما هریک از موردهایی که در داستان طرح می‌شود، چالشی را پیش روی سازگارگرایان برای انتساب مسئولیت اخلاقی قرار می‌دهد. قصد او از این کار این است که راه را برای انتساب مسئولیت اخلاقی در داستان‌های سازگارگرایانه ببندد. شروطی که او در ابتدای داستان خود برای فاعل اخلاقی‌اش، پرفسور پلام، در نظر می‌گیرد را این‌گونه شرح داده است:

¹ Unherdable values

² Best Explanation Argument

استدلال من موقعیتی متعین را نشان می‌دهد که در آن فاعل با چهار موقعیت مواجه می‌شود. پرفسور پلام خانم وایت را به دلیل پاره‌ای از منافع خودش می‌کشد. فعل قتل او معلول میل‌هایی است که حاصل شخصیت «بادوام و ثابت» اوست چرا که برای او دلایل خودمدارانه وزن بیشتری دارند. - آن قدر مهم‌اند که از منظر اخلاقی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. باین‌وجود این میل او برایش غیرقابل مقاومت نیست و به این معنا او مقید به انجام آن فعل نیست. همچنین میل او به کشتن وایت میل درجه دوم او را نیز تأیید می‌کند به این معنا که او اراده به کشتن می‌کند و می‌خواهد که اراده به کشتن وایت نماید، و او اراده به کشتن می‌کند زیرا می‌خواهد که اراده به کشتن کند. همچنین، میل‌های پلام با ملاحظات عقلانی‌اش از دلایل مرتبط اصلاح و در برخی موارد ایجاد شده‌اند و روند تأمل او به طور متعادل پاسخگو به دلایل است. پذیرای الگوهای مربوطه است - مثلاً اگر می‌دانست پیامدهای زیان‌بار حاصل از جنایت او برای خودش شدیدتر از آن است که واقعاً ممکن است باشد، وایت را نمی‌کشت. اما او کاملاً خود مدار نیست و توانایی کسب، به‌کار بستن و تنظیم رفتارش با دلایل اخلاقی را حفظ کرده است. مثلاً در تقابل دلایل خودمدارانه در برابر دلایل اخلاقی، زمانی که دلایل خودمدارانه‌اش ضعیف باشند، معمولاً رفتار خود را بر اساس دلایل اخلاقی تنظیم می‌کند. چنین ظرفیت‌هایی به او امکان می‌دهد تا در شخصیت اخلاقی خود بازنگری کند و آن‌ها را در طول زمان رشد دهد. با توجه به تمام این شرایط و صدق تعین علی، آیا پذیرفتنی است که پلام مسئول فعل خود باشد؟ (پرپوم، ۲۰۰۱، ۱۱۱)

در سیر استدلالی که پرپوم از چهار مورد پلام طرح کرده، هدف این است که موقعیت سازگارگرایانه عادی طی مراحل به شرایط متعین نیز تعمیم یابد. دفاع ناسازگارگرایانه پرپوم از ادعای خود برای نشان دادن این گزاره است که «تفاوت مرتبطی میان هیچ یک از موارد نمی‌توان یافت که انکار مسئولیت در شرایط مهار پنهان و تأیید آن در شرایط متعین عادی را توجیه کند» (پرپوم، ۲۰۰۱، ۱۱۲). آنچه میان هر چهار مورد استدلال مشترک است ایجاد شدن شرایطی خارج از کنترل پلام برای ارتکاب او به قتل خانم وایت است. اما آنچه این موارد را از هم متمایز می‌کند این است که شدت و کیفیت خارج از کنترل بودن این شرایط با هم تفاوت دارد و به تدریج به گونه‌ای افزایش می‌یابد که در مورد آخر شرایط انجام فعل برای پلام در جهانی کاملاً متعین و از پیش تعیین شده است. مورد نخست: پرفسور پلام را نوروساینتیست‌ها آفریده‌اند، آنها می‌توانند او را با امواجی شبه رادیویی به طور مستقیم مهار کنند، درعین حال که طبق پیشینه او، بسیار شبیه انسانی معمولی است. فرض کنید این نوروساینتیست‌ها او را به طور «موضعی» مهار می‌کنند که روند استدلال کردن او را که با آنها میل‌هایش ایجاد و اصلاح می‌شوند را تحت تأثیر قرار می‌گیرد - حالت‌هایی که از لحظه‌ای به لحظه دیگر مستقیماً ایجاد می‌شوند. نوروساینتیست‌ها درست پیش از فرایند استدلال درباره موقعیت دکمه‌هایی را فشار می‌دهند و در نتیجه موجب می‌شوند که فرایند استدلال او خودمدارانه باشد. پلام مقید به انجام فعل نیست به این معنا که به دلیل میل غیر قابل مقاومتی این کار را انجام نمی‌دهد - نوروساینتیست‌ها میل غیر قابل مقاومتی به او القا نکرده‌اند - او تصور نمی‌کند که دارد کاری خلاف شخصیت خود انجام می‌دهد زیرا او معمولاً به گونه‌ای مهار می‌شود که کارهای خود را با عقلانیت خودمدارانه‌اش انجام می‌دهد. میل مؤثر درجه اول او برای کشتن خانم وایت مطابق با میل‌های درجه دوم اوست. فرایند استدلال پلام نشان‌دهنده

موفه‌های متنوع استدلال‌پذیری معمول است. در عین حال او یکسره هم با عقلانیت خودمدارانه‌اش عمل نمی‌کند بلکه معمولاً زمانی که دلایل عقلانیت خودمدارانه ضعیف باشند رفتارش را با قوانین منطقی تنظیم می‌کند (پرپوم، ۲۰۰۱، ۱۱۳).

پرپوم پس از طرح این داستان و تبیین شرایط پلام در مورد نخست، اظهار می‌کند که پلام نمی‌تواند مسئول اخلاقی کشتن خانم وایت باشد، زیرا نوروسایتیست‌ها او را مهار کرده‌اند و این مهار خارج از کنترل او بوده است. به طور شهودی می‌توان دریافت که در این داستان، با وجود اینکه تمام شروط سازگارگرایانه برآورده شده است اما در تحلیل نهایی پرپوم این شروط را برای انتساب مسئولیت اخلاقی پلام ناکافی می‌داند. مورد دوم موردی معمول‌تر از مورد نخست است و در آن، پرپوم همچنان در پی ارائه مثال نقضی برای شروط سازگارگرایانه است:

مورد دوم: پلام همچون فردی معمولی است، جز اینکه او نیز آفریده نوروسایتیست‌هاست؛ هرچند که آنها نمی‌توانند او را مستقیماً کنترل کنند اما به گونه‌ای او را برنامه‌ریزی کرده‌اند که دلایل انجام فعل را وزین بدانند به گونه‌ای که اغلب و البته نه همیشه خود مطابق عقلانیت خودمدارانه‌اش عمل می‌کند، با این نتیجه که در شرایطی که او اکنون خودش را در آن می‌یابد، به گونه‌ای علی برای تحقق فرایند استدلال‌پذیر و داشتن مجموعه میل‌های درجه اول و درجه دوم برای کشتن خانم وایت متعین شده است. او این توانایی کلی را دارد که رفتارش را با دلایل اخلاقی تنظیم کند. اما در این شرایط دلایل خودمدارانه او بسیار قوی‌تر هستند و به گونه‌ای علی طبق این دلایل متعین شده‌اند. با این وجود، او به دلیل میلی غیرقابل مقاومت کاری انجام نمی‌دهد (پرپوم، ۲۰۰۱، ۱۱۴).

در این مورد نیز با وجود برآورده شدن شروط سازگارگرایان، پلام مسئول اخلاقی کشتن وایت نیست. پرپوم بر این عقیده است که به طور شهودی برنامه‌ریزی نوروسایتیست خارج از کنترل او بوده و در نتیجه در مورد دوم نیز می‌توان این نتیجه را گرفت که شروط سازگارگرایانه برای نسبت دادن مسئولیت اخلاقی کفایت نمی‌کنند. صرف برنامه‌ریزی فارغ از اینکه زمان آن چقدر با زمان فعل فاصله دارد حاکی از ناتوانی پلام در کنترل فعل خود است و مسئولیت اخلاقی را می‌توان برای او نفی کرد. مورد سوم بیش از دو مورد پیش به امور روزمره و معمول ما شبیه است:

مورد سوم: پلام فردی معمولی است جز اینکه به واسطه تربیت سخت‌گیرانه و شدید خانواده و جامعه به گونه‌ای متعین شده که اغلب و البته نه همیشه مطابق عقلانیتی خودمدارانه عمل می‌کند (درست همان قدر خودمدارانه که مورد ۱ و ۲) این تربیت در سن بسیار پایین او رخ داده که نمی‌توانسته از آن خودداری کند یا برای آن جایگزینی مناسب برای شخصیت خود بیابد. در شرایط اخیر، پلام برای انجام فرایند استدلال‌پذیری و داشتن امیال درجه اول و درجه دوم که منجر به کشتن وایت می‌شوند متعین شده است. او این قابلیت کلی را دارد که رفتار خود را با دلایل اخلاقی کسب کند، به کار ببندد و تنظیم کند، اما در وضعیت فعلی دلایل خودمدارانه بسیار نیرومند هستند و در نتیجه تمرین‌های سخت تربیتی او منجر به قتل خواهند شد. با این حال او قتل را به دلیل میل غیرقابل مقاومت انجام نداده است. (پرپوم، ۲۰۰۱، ۱۱۵)

در این مورد نیز پلام شروط سازگارگرایانه برای فعل آزاد و اخلاقاً مسئولانه را برآورده کرده اما همچنان پلام به واسطه عواملی خارج از کنترل خود متعین شده است و همین کنترل عدم انتساب مسئولیت اخلاقی برای او را به خوبی توجیه می‌کند. تا اینجا عدم مسئولیت اخلاقی در هر سه مورد برای پلام قابل تعمیم بود. مورد چهارمی که پرپوم برای پلام در نظر گرفته شرایط مهارشده نیست بلکه او در این مورد، در جهانی متعین زیست می‌کند.

مورد چهارم: تعیین‌گرایی فیزیکی صادق است، و پلام فردی معمولی و نرمال است که در شرایط نرمال به دنیا آمده و رشد کرده و اغلب و البته نه همیشه با عقلانیتی خودمدارانه عمل کرده است (همان قدر خودمدارانه که در سه مورد پیش‌تر). کشتن وایت به دست پلام در نتیجه فرایند تأمل‌پذیرای استدلال رخ داده است. او ساختار مشخصی از میل‌های درجه اول و درجه دوم را نشان می‌دهد و به دلیل میلی مقاومت‌ناپذیر عمل نمی‌کند. او توانایی این را دارد که رفتار خود را با دلایل اخلاقی کسب، اعمال و تنظیم کند، اما در این وضعیت، دلایل خودخواهانه او بسیار نیرومند هستند و در کنار پیش‌زمینه قبلی به طور علی منجر به ارتکاب قتل می‌شوند (پربوم، ۲۰۰۱، ۱۱۵).

پربوم با تقریر این چهار مورد بهترین تبیین شهودی درباره وضعیت پلام در سه مورد اول را این می‌داند که او مسئول اخلاقی نیست زیرا نتایج عمل او ناشی از روند متعین علی‌ای است که به عواملی خارج از کنترل او بستگی دارد. (پربوم، ۲۰۰۱، ۱۱۶) در مورد چهارم نیز به همین دلیل حکم به عدم مسئولیت اخلاقی او می‌دهند. ملی در کتاب *اراده آزاد و بخت* (۲۰۰۶) استدلال چهارموردی پربوم را نقد کرده و آن را استدلالی ناقص برای رد سازگارگرای ناکافی می‌داند.

۳-۲. نقد ملی بر استدلال بهترین تبیین پربوم

نقد اصلی ملی بر فرض پربوم درباره ضرورت تعیین علی در داستان‌های استدلالش متمرکز است. به نظر ملی در مورد اول می‌توان حالتی را در نظر گرفت که در آن مهارکننده‌ها در وضعیتی نامتعین پلام را مهار کنند؛ یعنی مانند داستان خود پربوم مهارکننده‌ها به طور موضعی و لحظه‌به‌لحظه پلام را مهار می‌کنند اما احتمال کمی وجود دارد که پلام از انجام فعل موردنظر مهارکننده ناتوان باشد. اما داستان مطابق میل مهارکننده اتفاق می‌افتد و با فشردن دکمه پلام دست به قتل خانم وایت می‌زند. در این حالت هم پلام همچنان مسئول اخلاقی کشتن خانم وایت نیست اما این حالت در وضعیتی نامتعین اتفاق افتاده است؛ بنابراین ملی نتیجه می‌گیرد که علیت متعین برای حکم به عدم مسئولیت اخلاقی پلام ضروری نیست.

ملی مورد دوم استدلال پربوم را نیز در وضعیتی نامتعین در نظر می‌گیرد: بیاید فرض کنیم برنامه‌ریزی مهارکنندگان بر پلام برنامه‌ای نامتعین است، بقیه شرایط او مانند شرایط داستان پربوم است. تنها تفاوت این دو داستان در این است که هرچند ثانیه فرصت بسیار کمی وجود دارد که برنامه پلام از کار بیفتد و او دست به قتل خانم وایت نزند. اما در این مورد هم پلام طبق برنامه عمل می‌کند و خانم وایت را به قتل می‌رساند. ملی در این مورد هم معتقد است که احتمال ناتوانی پلام برای لحظاتی کم و اندک، عدم مسئولیت او را به مسئولیت بدل نمی‌کند بنابراین تعیین علی در این مورد نیز برای حکم به عدم مسئولیت پلام ضرورتی ندارد.

مورد سوم استدلال پربوم را می‌توان از نگاه ملی این‌گونه بازسازی کرد که پلام را فردی معمولی در نظر گرفت که تحت تربیت سخت‌گیرانه جامعه و خانواده رشد کرده و اغلب و البته نه همیشه نظر عقلانی خودمدارانه عمل می‌کند. در سنین کودکی او آموزش‌هایی دیده که نمی‌توانسته در مقابلشان بایستد و از آنها جلوگیری کند. ملی در این بازسازی روند تربیت را نامتعین در نظر می‌گیرد. زنجیره علی که پلام را به قتل وایت می‌رساند متعین نیست بلکه در لحظاتی ممکن است به دلیل فروپاشی ذهنی از قتل وایت منصرف شود و قتل اتفاق نیفتد. اما این اتفاق نمی‌افتد و پلام خانم وایت را به قتل می‌رساند. اگر بخواهیم در مورد سوم پربوم حکم به عدم مسئولیت پلام دهیم، این حکم در مورد بازسازی شده ملی نیز برقرار است. درحالی که شرایط پلام در داستان بازسازی شده ملی شرایطی نامتعین بوده است.

ملی مورد چهارم را باتوجه به سه مورد پیش نقد می‌کند. پرپوم معتقد بود همان گونه که در مورد اول و به دنبال آن موارد دوم و سوم بهترین تبیین از استدلال حکم به عدم مسئولیت اخلاقی است به این دلیل که فعل پلام حاصل فرایند متعین علی‌ای است که خارج از کنترل او بوده است، در مورد چهارم نیز به همین دلیل او مسئول اخلاقی نیست (پرپوم، ۲۰۰۱، ۱۶۱).

ملی با بازسازی استدلال پرپوم نشان داد که تعیین نقشی ضروری در عدم مسئولیت اخلاقی پلام ندارد و باتوجه به همین نقد در مورد چهارم عدم مسئولیت اخلاقی پلام را تنها به این دلیل که قتل وایت به طور متعینی معلول بوده رد می‌کند.

ملی همچنین پلام را در موارد متعین و نامتعین فاقد هرگونه نقشی برای شکل‌دادن به روند ارزش‌گذاری دلایل است و اساساً کنترلی بر پیشینه خود به‌مثابه فاعل ندارد.

ملی در نقد خود بیشتر روی موردهای ۱ و ۲ متمرکز می‌شود و در داستان سوم نمی‌تواند با قطعیت چیزی بگوید. اینکه تاثیرات تربیت سخت‌گیرانه چقدر می‌تواند شدید باشد، برای او مبهم است. بنظر او اگر پلام در سنین خیلی پایین تحت تربیتی بوده باشد که نمی‌توانسته جلوی آن را بگیرد آیا می‌توانسته تاثیرات این تربیت را تغییر دهد که ارزش‌گذاری‌ها و تجربیات او را متأثر از این تغییر شکل بگیرند؟ مثلاً شخصیت خودمدارانه او به سمت شخصیتی تغییر کند که به دلایل دیگران حساس‌تر شود؟ ملی معتقد است که پرپوم در این زمینه سکوت کرده است. به نظر او تربیت سخت‌گیرانه نمی‌تواند فاعل مناسبی برای ناتوانی پلام در تغییر خودش باشد و اگر او بتواند خودش را تغییر بدهد، به معنای سازگارگراییه توانستن، در این صورت سازگارگرایان سنتی دلیل خوبی برای حکم به عدم مسئولیت اخلاقی پلام ندارند (ملی، ۲۰۰۸، ۲۷۵-۷).

درواقع ملی با بازسازی استدلال چهار موردی پرپوم در شرایط نامتعین، سعی کرده هسته اصلی استدلال بهترین تبیین را زیر سؤال ببرد. هسته اصلی استدلال پرپوم این بود که در سه مورد اول از استدلال چهار موردی، بهترین تبیین برای حکم به عدم مسئولیت اخلاقی این است که به دلیل متعین بودن شرایط فاعل اخلاقی او مسئولیت اخلاقی برای کاری که انجام داده ندارد و در مورد چهارم نیز که هیچ مهارتی در کار نبوده، چون شرایط مانند سه مورد پیشین است می‌توان حکم به عدم مسئولیت اخلاقی فاعل داد. به نظر ملی پرپوم در این استدلال نتوانسته منبع شهود خود درباره عدم مسئولیت اخلاقی پلام را توجیه کند. همچنین در حکم عدم مسئولیت در مورد چهارم تنها از سه مورد پیشین که مهار صورت‌گرفته تعمیم‌یافته و دلیل مستقلی برای آن ارائه نکرده است. ملی استدلال چهار موردی پرپوم در دفاع از ناسازگارگرایی را استدلالی شکست‌خورده می‌داند.

۴-۲. استدلال طرح اصلی یا زیگوت^۱

این استدلال از آن آلفرد ملی است که در کتاب *اراده آزاد و بخت* (۲۰۰۶) با نقد استدلال پرپوم استدلالی طرح کرده که بسیاری از پژوهشگران حوزه اراده آزاد آن را کامل‌ترین استدلال مهار در برابر سازگارگرایی می‌دانند. در این نوشتار رویکرد ما این است که نشان دهیم استدلال طرح اصلی ملی را می‌توان به‌گونه‌ای تفسیر کرد که هرچند به سازگارگرایی نقد وارد می‌کند ولی می‌توان با تفسیری خاص همچنان آن را صادق و برقرار دانست. این تفسیر با الهام از ندانم‌گرایی^۲ آلفرد ملی درباره سازگارگرایی درباره اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی مطرح می‌شود. در واقع ادعای این استدلال این است که استدلال طرح اصلی ملی را می‌توان تنها استدلالی در نقد سازگارگرایی و نه در رد آن دانست و نمی‌توان با اقامه آن رأی به صدق ناسازگارگرایی داد. استدلال طرح اصلی (زیگوت) آلفرد ملی:

¹ Original Design (Zygote) Argument

² Agnosticism

دیانا الهه‌ای قدرتمند است که در زنی به نام ماری زیگوت Z را خلق می‌کند که اتم‌های آن به‌گونه‌ای خاص با هم ترکیب می‌شوند که رویداد E در زمانی مشخص (سی‌سال بعد از آفرینش زیگوت) توسط فردی که حاصل آن زیگوت است اتفاق بیفتد. نام آن فرد را ارنی می‌گذاریم. دیانا با دانشی که درباره وضع جهان دارد و نیز قانون جهان متعینش می‌داند که زیگوت Z که حالا در بطن ماری است به‌گونه‌ای رشد خواهد کرد که ارنی سی‌سال بعد فاعلی خویش‌دار و از نظر روانی سالم خواهد بود. ارنی با خویش‌داری کامل در مواجهه‌اش با فعل A به این نتیجه می‌رسد که انجام‌دادن این فعل بهترین کار ممکن است و با انجام آن رویداد E را محقق می‌کند. اگر ارنی در زمان انجام فعل A ارزش غیر قابل حذفی داشته باشد، این ارزش‌ها هیچ نقشی در انگیزش او برای انجام آن فعل ایفا نمی‌کنند. او فاعلی است که معمولاً قوای خویش‌داری‌اش را در انجام آموزش به کار می‌گیرد و هیچ نگرش جبری و قهری مرتبط با فعل A ندارد. همچنین باورهایش، او را به تأمل آگاهانه درباره تمام مسائل مورد اهمیت او وامی‌دارند. در مجموع می‌توان ارنی را فاعلی قابل‌اعتماد دانست که شروط کافی نسخه پیشنهادی سازگارگرایانه برای انجام یک فعل را تأمین می‌کند (ملی، ۲۰۰۶، ۱۸۹-۱۸۸).

بنای کلی این استدلال را ملی این‌گونه صورت‌بندی می‌کند:

۱. به دلیلی شیوه آفرینش زیگوت در جهان متعینش، ارنی فاعلی آزاد نیست و برای هیچ فعلی نیز مسئول اخلاقی نیست.
۲. با درنظرگرفتن فعل آزاد و مسئولیت اخلاقی موجوداتی که زیگوت را پرورش می‌دهند، هیچ تفاوت مهم و معناداری میان شیوه آفرینش ارنی و شیوه آفرینش هر فاعل نرمال دیگری در جهان متعین وجود ندارد. بنابراین، تعیین‌گرایی مانع فعل آزاد و مسئولیت اخلاقی می‌شود (ملی، ۲۰۰۶، ۱۸۹).

آلفرد ملی با طرح این استدلال می‌گوید ارنی برای انجام فعل A با وجود تأمین شروط سازگارگرایانه مسئول اخلاقی نیست و این کار را آزادانه انجام نداده است. در ادامه طرح استدلالش او ارنی را که فاعلی مهارشده است با فاعل دیگری به نام برنی مقایسه می‌کند. برنی فاعلی است که در تمام ویژگی‌ها شبیه ارنی است. او نیز شروط کافی سازگارگرایان برای فعل آزاد را تأمین می‌کند با این تفاوت که زیگوتی که برنی حاصل رشد آن است به شیوه نرمال آفریده شده است. چالش بزرگ بر سر راه سازگارگرایان این ادعاست که برنی اگر فعل A را انجام دهد (همان فعلی که ارنی انجام داده) بر خلاف ارنی مسئول اخلاقی آن است و آن فعل را آزادانه انجام داده است. تفاوت در انتساب مسئولیت اخلاقی این دو فاعل به تفاوت در شیوه آفرینش آنها (ارنی به شیوه مهار شده و برنی به شیوه نرمال) برمی‌گردد.

۳. نقد و تحلیل استدلال زیگوت ملی

استدلال زیگوت ملی درمیان استدلال‌های مطرح شده در نقد سازگارگرایی از جمله استدلال‌های مهم و درخشانی است که توجه بسیاری از پژوهشگران این حوزه را به خود جلب کرده است. له و علیه مقدمات و نتایج این استدلال نقدها و تحلیل‌های متعددی صورت گرفته که از جمله آنها می‌توان به جان مارتین فیشر، پاتریک تاد، استفن کرن، درک پرپوم، سرپیادا و اشتیاق حاجی اشاره کرد.

از میان این نقدها، نقد فیشر و پاسخ تاد به او به مقصود تحلیلی ما در این نوشتار نزدیکتر است که به آن اشاره می‌کنیم و سپس تحلیل و نتیجه‌گیری برگرفته از این نقد را بیان خواهیم کرد.

۱-۳. نقد جان مارتین فیشر از استدلال زیگوت

فیشر در مقاله استدلال بازنگری شده مه‌ار (۲۰۱۱) در نقد و تحلیل استدلال ملی سناریویی شبیه سناریوی استدلال زیگوت طرح می‌کند. در سناریوی فیشر که سناریوی جان و ماری نام دارد، زن و شوهری به نام جان و ماری قصد ندارند فرزندی به دنیا بیاورند و از این رو اقدامات لازم برای پیشگیری از بارداری را انجام می‌دهند، با وجود این مراقبت آنها، ماری باردار شده و ارنی را به دنیا می‌آورد؛ سی سال بعد ارنی فعل A را انجام می‌دهد. به نظر فیشر قصد جان و ماری برای فرزند دار شدن یا نشدن هیچ ربطی به این که او سی سال بعد فعل A را انجام می‌دهد و اینکه آیا این فعل آزادانه انجام شده و نسبت‌دادن مسئولیت اخلاقی به ارنی ندارد.

به عقیده فیشر اگر از سناریوی جان و ماری تحلیل خود را آغاز کنیم، قصد آن دو در آفرینش ارنی به مسئولیت اخلاقی او در باره کاری که سی سال بعد انجام می‌دهد ربطی ندارد و این عدم مسئولیت را می‌توان به دیانا در استدلال زیگوت نیز تعمیم داد. اما مشکل آنجایی است که تحلیل خود را از سناریوی دیانا شروع کنیم، در این جا نتیجه معکوس خواهد شد همان گونه که در فرض اول استدلال زیگوت به آن فراخوانده می‌شویم. فیشر مدعی است که سناریوی دیانا به‌تنهایی نمی‌تواند کمکی به پیشبرد و تأیید فرض یک استدلال بکند. هیچ شهودی مبنی بر برتری سناریوی دیانا بر سناریوی جان و ماری نداریم. فیشر استدلال زیگوت را ناموفق می‌داند چون نمی‌تواند دلیل محکمی برای تأیید فرض یک ارائه دهد. به نظر او فرض یک در سناریوی دیانا با طرح سناریوی جان و ماری ضعیف شده است.

فیشر در ادامه تحلیل استدلال زیگوت فرض دوم یعنی فرض عدم تفاوت استدلال زیگوت را پذیرفتنی می‌داند هرچند که آن را به‌تنهایی برای اثبات ناسازگارگرایی کافی نمی‌داند. به نظر فیشر فرض دوم تنها می‌تواند از عدم تفاوت میان سناریوی دیانا و زمینه‌ای نرمال تحت تعیین‌گرایی علی دفاع کند. فیشر سناریوی دیانا را بن‌بست دیالکتیکی می‌نامد. وی نقد خود به استدلال زیگوت را با سناریوی جان و ماری مطرح می‌کند و می‌گوید:

اگر قصد آفرینش ارنی را ببریم روی جان و ماری و از اون سناریو شروع کنیم، این که ارنی سی سال بعد چه فعلی انجام می‌دهد و آیا بابت آن فعل مسئولیت اخلاقی دارد یا نه ربطی به شیوه آفرینشش ندارد. اما اگر از سناریوی دیانا شروع کنیم چنان که ملی نیز اذعان می‌کند، نتیجه برعکس خواهد شد. همچنین به نظر فیشر هیچ نشانه‌ای نداریم برای اینکه تحلیل خود را در استدلال زیگوت به‌جای سناریوی جان و ماری از سناریوی دیانا آغاز کنیم. این در حالی است که سناریوی جان و ماری صریحاً فرض یک استدلال زیگوت را رد می‌کنند (فیشر، ۲۰۱۱، ۲۶۹-۲۷۰).

۲-۳. دفاع تاد از استدلال زیگوت

پاتریک تاد در مقاله خود با عنوان دفاع از (نسخه اصلاح شده) استدلال زیگوت (۲۰۱۳) پاسخ جالب توجهی به این نقد فیشر و نقدهای مشابه داده و به دفاع از استدلال زیگوت پرداخته است. تاد در واقع نقد فیشر درباره نامرتب‌بودن نحوه آفرینش ارنی توسط دیانا را مورد توجه قرار می‌دهد و در پاسخ به نقد او می‌گوید:

این نقد فیشر در واقع به چالش کشیدن مقدمه دوم استدلال زیگوت است، زیرا در مقدمه دوم چگونگی آفرینش ارنی توسط دیانا مطرح شده و اهمیت دارد. در مقدمه دوم استدلال زیگوت دیدیم که هیچ تفاوت مربوط به مسئولیتی میان ارنی در سناریوی دیانا و هر جهان متعین دیگری وجود ندارد. باتوجه به مقدمه دوم، اینکه افعال ارنی ریشه در فعل عامدانه دیانا دارد باید به مسئولیت ارنی نامربوط باشد. البته با اینکه فیشر قصد گرفتن چنین نتیجه‌ای نداشته است به نظر می‌رسد در تفسیر او از این استدلال، طرفدار این استدلال در مقدمه اول مدعی است که قصدهای دیانا به مسئولیت ارنی مرتبط است و در ادعای دوم نامرتبط و این جای تعجب دارد! (تاد، ۲۰۱۳:۱۹۲)

به نظر تاد می‌توان استدلال زیگوت را به گونه‌ای صورت‌بندی کرد که امکان نقد فیشر به مقدمه اول آن منتفی شود، به همین منظور او پیشنهاد می‌کند که بند اول مقدمه یک را حذف و آن را به صورت زیر بازنویسی کنیم:

۱: ارنی برای انجام فعل A یا مسبب رویداد E شدن هیچ‌گونه مسئولیت و آزادی فعلی ندارد (تاد، ۲۰۱۳، ۱۹۳).

تاد در توضیح دلیل حذف بند اول مقدمه یک و بازنویسی آن به صورت یک* چنین می‌گوید:

می‌توان با حذف بند او تصریح کرد که استدلال زیگوت درباره این نیست که بگوید قصدهای دیانا به مسئولیت ارنی مرتبط است بلکه این استدلال در پی این است که ما حکم به عدم مسئولیت ارنی برای کاری که دیانا برایش تصمیم گرفته است بدهیم. این، آن حکم بنیادینی است که من آن را زیر بنای استدلال زیگوت می‌دانم؛ بنابراین با این جایگزینی، آن جنبه‌هایی از مقاله فیشر که قصدهای دیانا را نامربوط می‌داند از قوت استدلال کم نمی‌کند (تاد، ۲۰۱۳: ۱۹۲-۳).

۳-۳. پاسخ فیشر به تاد

به نظر فیشر تاد و کسانی مانند او که از استدلال زیگوت دفاع می‌کنند در پی این هستند که شهودی از عدم مسئولیت را با سناریوی ارنی و دیانا ارائه کنند اما درباره اینکه این عدم مسئولیت را کدام یک از عناصر در این سناریو قرار است برای ما به ارمغان بیاورند، سکوت می‌کنند. به نظر او قصد خالق‌هایی که در دنیایی متعین و زمانی دور از زمان انجام فعل، هیچ تفاوتی در وضعیت مسئولیت اخلاقی فاعلان مخلوق آنها ایجاد نمی‌کند. این در حالی است که تاد این نقد فیشر را اصلاً مرتبط به استدلال زیگوت نمی‌داند و معتقد است ارنی به این دلیل که صرفاً ابزار دست دیانا بوده و عامل پیش برنده برنامه‌های او بوده، برای انجام فعل‌های خود مسئولیتی ندارد.

فیشر در این سناریو، نظر تاد را نپذیرفته و همچنان معتقد است که نمی‌توان با مسئول دانستن دیانا مجالی برای رد مسئولیت ارنی فراهم کرد. او می‌گوید:

سخن گفتن از طراحان قدرتمند تقدیر مانند سخن گفتن از مهار عملی، اجبار، اضطراب است اما در سناریوی دیانا شروط سازگارگرایانه فعل آزاد و مسئولیت اخلاقی برآورده می‌شوند. بنابراین هیچ عامل تضعیف‌کننده مسئولیت غیر قابل مناقشه‌ای در کار نیست. ارنی تحت جبر نیست، به طور محرمانه‌ای توسط جراح مغز

شروع مهیار نمی‌شود، تحت هیپنوتیزم یا تبلیغات پنهانی قرار نمی‌گیرد. با توجه به تمام این عوامل، اگر نقش دیانا در شهود عدم مسئولیت را هم کنار بگذاریم پس چگونه هنوز بنظرمان بدیهی است که ارنی را مقصر نمی‌دانیم؟ فیشر معتقد است هرچند دیانا هنوز از جهات دیگری قابل سرزنش است اما این چیزی از مسئولیت اخلاقی ارنی برای انجام کاری که دارد می‌کند را کم نمی‌کند (فیشر، ۲۰۱۶، ۵۲).

نتیجه‌گیری

استدلال زیگوت ملی را در زمره استدلال‌های ناسازگارگرایان برای رد سازگارگرایی آورده‌اند. استدلالی که در نقد استدلال پرپوم و برای جبران کاستی‌های آن مطرح شده است؛ اما اگر بخواهیم این استدلال را با توجه به مواضعی که آلفرد ملی در آثار خود درباره اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی تحلیل کنیم به دشواری می‌توانیم این استدلال را استدلالی قاطع برای رد سازگارگرایی بدانیم. آلفرد ملی در آثار پرشمار خود درباره مسئولیت اخلاقی و اراده آزاد که به طور خاص از کتاب *فاعل‌های خودآیین* (۱۹۹۵) آغاز شده و ادامه یافته، تلاش و تقاضای خود را صرف تحلیل و بررسی امکان اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی کرده و در پی آن بوده که نگاهی هرچه جامع‌تر و قابل دفاع‌تر برای امکان اراده آزاد و تاثیر آن در انتساب مسئولیت اخلاقی بیابد.

طرح استدلال‌های او درباره مهیار، که منحصر به استدلال زیگوت نمی‌شود و در آثار بعدی او نیز ادامه می‌یابد، از هدف کلی منظومه فکری او جدا و مستثنا نیست. ملی درباره امکان سازگاری مسئولیت اخلاقی و تعیین‌گرایی خود را ندانم‌گرا می‌داند و این موضع را در استدلال مهیار زیگوت و استدلال‌های دیگر خود درباره مهیار نیز حفظ می‌کند. بنابراین با وجود نقدهایی که در این استدلال به سازگارگرایان و شروط سازگارگرایی مطرح می‌کند، نمی‌خواهد آن را به کلی رد کند. بنظر می‌رسد زمانی که بخواهیم از استدلال مهیار سخن بگوییم بهتر آن است که موضع ندانم‌گرای ملی را مدنظر خود داشته باشیم. در واقع شاید بتوان گفت او در این استدلال هرچند سازگارگرایی را نقد کرده اما ناسازگارگرایی را نیز به تمامی تایید نمی‌کند. با توجه به همین ملاحظه درباره کلیت استدلال مهیار می‌توان نقدهای بر صورت‌بندی استدلال مهیار و به تبع آن نتیجه‌ای که از مقدمات حاصل آمده وارد کرد.

با توجه به نقدهای متعددی که به مقدمات این استدلال وارد شده و پاسخ‌هایی که ملی و دیگر طرفداران استدلال از جمله تاد به این نقدها داده‌اند، می‌توان همچنان به دنبال پاسخی برای این پرسش‌ها گشت که چگونه می‌توان فاصله زمانی میان آفرینش ارنی (که دیانا آن را به گونه‌ای طراحی کرده که سی سال بعد فعل خاصی از او سرزنند) و زمان انجام فعل را در تاثیری که بر انجام فعل و کیفیت آن می‌گذرد را نادیده گرفت؟ همچنین بنظر می‌رسد برای انتساب مسئولیت اخلاقی به ارنی در زمان وقوع فعل، باید عوامل دیگری از جمله موقعیت مناسب برای انجام آن و محرک‌های دیگری جز زیگوت برنامه‌ریزی شده را نیز در نظر داشت و نمی‌توان تمام بار مسئولیت اخلاقی را متوجه ارنی بدانیم. این مسئله در نقد فیشر به صورت‌بندی استدلال نیز مطرح شده است اما بنظر می‌رسد که هم فیشر و هم ملی در پی این هستند که تکلیف مسئولیت اخلاقی ارنی را با توجه به شیوه آفرینش او تعیین کنند که همانطور که دیدیم در این نقطه اختلاف نظر دارند.

فرای این دو نگاه، شاید بتوان راهی یافت که میزان مسئولیت هریک از این دو را به تناسب نقشی که در انجام آن فعل ایفا کرده‌اند تعیین کرد. با این رویکرد، اولاً دیانا خود ارنی را مهیار نکرده بلکه زیگوت او را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده که فعل A سی سال بعد از او سرزنند و ممکن است این پرسش را پیش بکشد که آیا برنامه‌ریزی کردن زیگوت را می‌توان اساساً مهیار کردن و کنترل کردن دانست یا نه؟ بنظر می‌رسد به دشواری می‌توان کنترل و برنامه‌ریزی زیگوت را مهیار دانست. نکته دومی که در این جا می‌توان

مورد توجه قرار داد این است که اگر بتوانیم از موقعیت ارنی فاصله بگیریم و با نگاهی واقعی‌تر به امکان انتساب مسئولیت اخلاقی ارنی بپردازیم، دور از انتظار نیست که هرچند مسئولیت اصلی را برای دیانا در نظر خواهیم گرفت اما تمام مسئولیت اخلاقی را نیز از ارنی سلب نمی‌کنیم و دست کم میزانی از مسئولیت را برای او در نظر می‌گیریم.

References

- Ayer, A. J. (1954). Freedom and Necessity, in *Philosophical Essays*, Ed. A. J. Ayer, pp. 271–284. Macmillan.
- Fischer, J. M. (2004). Responsibility and Manipulation, *The Journal of Ethics*, 8(2), 145-177. <https://doi.org/10.1023/B:JOET.0000018773.97209.84>
- Fischer, J. M. (2016). How Do a Manipulation Argument Works? *Ethics*, 20(1/3), 47-67
- Frankfurt, H. (1969). Alternate Possibilities and Moral Responsibility, *Journal of Philosophy*, 66(23) 829–839. <https://doi.org/10.2307/2023833>
- Frankfurt, H. (1971). Freedom of the Will and the Concept of a Person, *Journal of Philosophy*, 68(1) 5-20. <https://doi.org/10.2307/2024717>
- Haji, I. (1998). *Moral Accountability*, Oxford University Press.
- Hobbes, T. (1654). *Of Libertie and Necessity: A treatise, wherein all controversies concerning predestination, election, free- will, grace, merits, reprobation, &c., is fully decided and cleared, in answer to a treatise written by the Bishop of London- Derry, on the same subject*, printed by W. B. for F. Eaglesfield.
- Hume, D. (1739/ 1978). *A Treatise of Human Nature*, Oxford University Press.
- Hume, D. (1748/ 2000). *An Enquiry Concerning Human Understanding*, Oxford University Press.
- McKenna, M. (2012). *Conversation and Responsibility*, Oxford University Press.
- Mele, A. R. (1995). *Autonomous Agents*, Oxford University Press.
- Mele, A. R. (2005). A critique of Pereboom's 'four- case argument' for incompatibilism. *Analysis*, 65(1), 75-80. <https://doi.org/10.1093/analys/65.1.75>
- Mele, A. (2006). *Free Will and Luck*: Oxford University Press.
- Mele, A. (2008). Manipulation, Compatibilism, and Moral Responsibility, *The Journal of Ethics*. 12 (3-4):263-286, <https://doi.org/10.1007/s10892-008-9035-x>
- Nelkin, D. & Pereboom, D. (2022). *The Oxford Hand Book of Moral Responsibility*, Oxford University Press.
- Pereboom, D. (2001). *Living Without Free Will*. Cambridge University Press.
- Pereboom, D. (2007). On Mele's Free Will and Luck, *Philosophical Explorations*, 10, (3-4), 163–172. <https://doi.org/10.1080/13869790701305988>
- Pereboom, D. (2014). *Free Will, Agency, and Meaning in Life*, Oxford University Press.
- Taylor, R. (1974). *Metaphysics*, 4th ed., Prentice- Hall.
- Timpe, K (2009). Demotivating semi-compatibilism. *Ideas Y Valores*, 58 (141), 125–140 <https://doi.org/10.1080/1386979050009139>
- Todd, P. (2011). A New Approach to Manipulation Arguments, *Philosophical Studies*, 152 (1), 127–133. <https://doi.org/10.1007/s11098-009-9465-8>

- Todd, P. (2013). Defending (a Modified Version of the) Zygote Argument, *Philosophical Studies*, 164(1), 189–203. <https://doi.org/10.1017/apa.2019.31>
- Tognazzini, N. (2014). The structure of a manipulation argument. *Ethics*, 124(2), 358–369. <https://doi.org/10.1086/673434>

